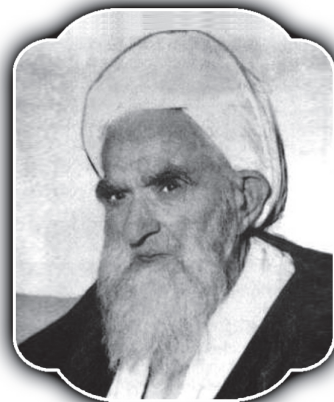


## شیخ محمد دارد می آید، ولی دستش خالی است!

مرحوم آیت الله کوهستانی (ره) در این اواخر عمر بسیار نگران آخرتش بود، با همه زهد و ورع، خود را دست خالی می دید، از این رو هرگاه برخی از شاگردان او از قبیل شهید هاشمی تژاد و دیگر فضلا که از مشهد به حضورشان می رسیدند، می فرمود: «سلام مرا به امام رضا علیه السلام برسانید و بگویید شیخ محمد دارد می آید، ولی دستش خالی است.» فرزندشان می گوید: روزی یکی از علمای منطقه در محضرش حضور داشت وقتی نگرانی ایشان را از سفر آخرت مشاهده نمود به ایشان عرض کرد: شما کارها و وظایفتان را به خوبی انجام دادید و نباید مشکلی داشته باشید. آقا با چهره ای برافروخته در جوابش فرمودند: «چه می گویی؟ امامی مثل علی علیه السلام وقتی که می خواهد از دنیا برود می گوید، نمی دانم خدا با من چه طور می خواهد معامله کند؟!»

(منبع: کتاب بر قله پارسایی)



## گفتم که به پیری رسم و توبه کنم!



انسان نباید بگوید که من چون هنوز نفسم را تربیت نکرده ام و نمی توانم او را کنترل کنم و مهارش را در دست بگیرم که دیگر گناه نکند و خطایی از او سر نزند، به همین خاطر توبه نمی کنم! زیرا توبه من فایده ای ندارد! این کار را نکنید. از گناهاتان توبه کنید، از کجا معلوم که تو دوباره گناه کنی؟! شاید نکردی. شاید همین امشب اجل رسید و از دنیا رفتی، چرا این حرف را میزنی که: "من چون خاطر جمع از نفسم نیستم، پس توبه هم نمی کنم. (حالا وقت باقی است) به پیری که رسیدم توبه میکنم."

اینقدر جوان مُردُ یکی پیر نشد.

گفتم که به پیری رسم و توبه کنم

(از فرمایشات آیت ا... مجتهدی تهرانی - ره)

## ارغوان جام "عقیقی" به سمن خواهد داد

همین که روزهای نزدیک به عملیات می رسید، برای بچه ها فال حافظ می گرفت. نزدیک عملیات کربلای ۵ بود. این بار اولین بازشدن کتاب به نیت من بود. بعد از کمی مکث و زمزمه با لهجه شیرین گفت: "نه کاکو جان! دریغ از یک روزنه کوچک، انکار اصلا قرار نیست از دست تو راحت بشیم!" با سپری شدن لحظات وضعیت بقیه هم مشخص شد، مرتضی جاویدی، سید محمد کدخدا و... جزء شهدا بودند؛ زنده ها هم معلوم شدند. یکی از بچه ها گیر داد که حالا نوبت خودته! از بچه ها اصرار از او انکار تا بالاخره چشمها را آرام بست و این بار کمی طولانی تر، قطره اشکی آرام از گوشه چشمانش لغزید، کتاب را باز کرد:

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد  
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد  
ارغوان جام "عقیقی" به سمن خواهد داد

عملیات که تمام شد رفتنی های فال، همه شهید شدند، جاویدی، حق پرست... و خود محمد رضا عقیقی، من مانده بودم و صدای محمدرضا که تا امروز در ذهنم مانده "دریغ از یک روزنه کوچک".

[خاطره ای از سردار شهید محمدرضا عقیقی مسئول عقیدتی لشکر ۱۹ فجر، آل یس]



سوال: آیا در محل کار و در ساعت کاری در زمانی که کار خاصی برای انجام دادن وجود ندارد می توان به کارهای دیگر پرداخت؟

سوال

جواب: شخصی که موظف است در وقت معینی کاری انجام دهد، حتی در وقت بیکاری هم نباید وقت خود را صرف در کارهایی که مربوط به آن جا نیست بکند، مگر با اذن مسئولی که شرعا و قانونا حق اذن دادن داشته باشد.

جواب